

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ ، وَلَا  
كَصْنَعِهِ صُنْعٌ صَانِعٌ ، وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ ، فَطَرَ أَجْنَاسَ  
الْبَدَائِعِ ، وَأَتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ ، لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ ،  
وَلَا تَضِيغُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ ، جَازِيَ كُلِّ صَانِعٍ ، وَرَاشِحُ كُلِّ قَانِعٍ ،  
وَرَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ ، وَ مُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ  
بِالنُّورِ السَّاطِعِ ، وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ ، وَلِلْكُرْبَاتِ دَافِعٌ ،  
وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ ، وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ ؛ فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ ، وَلَا شَيْءَ  
يَعْدِلُهُ ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ  
الْخَبِيرُ ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

خدای را سپاس که برای حکمش برگرداننده‌ای و برای بخششش بازدارنده‌ای و همانند ساخته‌اش ساخته هیچ سازنده‌ای نیست و او سخاوتمند وسعت‌بخش است، انواع مخلوقات را پدید آورد و ساخته‌ها را با حکمتش محکم نمود، طلایه‌ها بر او پوشیده نمی‌ماند و ودیعه‌ها نزد او ضایع نمی‌شود، پاداش‌دهنده هر سازنده و بی‌نیازکننده هر قناعت‌گر و رحم‌کننده بر هر نالان و فرو فرستنده سودها و نازل‌کننده کتاب جامع با نور درخشان است، او شنونده دعاها و دورکننده بلاها و بالابرنده درجات و کوبنده گردنکشان است؛ پس معبودی جز او نیست و چیزی با او برابری نمی‌کند و چیزی همانندش نیست و اوست شنوا و بینا و لطیف و آگاه و بر هر چیز تواناست.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ مُقِرًّا بِأَنَّكَ رَبِّي،  
وَأَنَّ إِلَيْكَ مَرَدِّي، ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً  
مَذْكُوراً، وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ، ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ  
آمِنَالرَّيْبِ الْمَنُونِ، وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسِّنِينَ؛

خدایا، به سوی تو رغبت می‌نمایم و به پروردگاری تو گواهی می‌دهم، اقرار کننده‌ام که تو پروردگار منی و بازگشت من به سوی تو است، وجودم را با نعمت آغاز کردی پیش از آنکه موجودی قابل ذکر باشم و مرا از خاک پدید آوردی، سپس در میان صلب‌ها جایم دادی، درحالی‌که از حوادث زمانه و رفت‌وآمد روزگار و سال‌ها ایمنی بخشیدی؛

فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِناً مِنْ صُلْبٍ إِلَى رَحِمٍ فِي تَقَادِيمِ مِنَ الْأَيَّامِ  
الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَلُطْفِكَ  
لِي وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أَيْمَةِ الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا  
عَهْدَكَ وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ، لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي رَأْفَةً مِنْكَ  
وَتَحَنُّناً عَلَيَّ لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يُسِّرْتَنِي وَفِيهِ  
أَنْشَأْتَنِي، وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رَوَّفْتَ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَسَوَابِغِ  
نِعْمِكَ فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيَّ يُمْنِي، وَأَسْكَنْتَنِي فِي  
ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ؛

همواره کوچکننده بودم از صلبی به رحمی، درگذشته از ایام و قرن‌های پیشین، از باب  
رأفت و لطف و احسانی که به من داشتی، مرا در حکومت پیشوایان کفر، آنان که پیمانت  
را شکستند و پیامبرانت را تکذیب کردند، به دنیا نیاوردی، ولی زمانی به دنیا آوردی به  
خاطر آنچه در علمت برایم رقم خورده بود و آن عبارت بود از هدایتی که مرا برای پذیرفتن  
آن آماده ساختی و در عرصه گاهش نشو و نمایم دادی و پیش از آن هم با رفتار زیبایت و  
نعمت‌های کاملت بر من مهر ورزیدی، در نتیجه وجودم را پدید آوردی از نطفه ریخته شده

و در تاریکی‌های سه‌گانه میان گوشت و خون و پوست جایم دادی؛

لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي ، وَلَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئاً مِنْ أَمْرِي ، ثُمَّ  
أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنْ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَاماً سَوِيّاً ،  
وَ حَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيّاً ، وَ رَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَناً  
مَرِيّاً ، وَ عَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ ، وَ كَفَّلْتَنِي الْأُمّهَاتِ  
الرَّوَاحِمَ ، وَ كَلَّأْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ ، وَ سَلَّمْتَنِي مِنْ  
الزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ ، حَتَّى إِذَا  
اسْتَهَلَّتْ نَاطِقاً بِالْكَلامِ ؛

و مرا در آفرینش وجودم گواه نگرفتی و چیزی از کار خلقتم را به من واگذار نمودی، سپس برای آنچه در علمت از هدایت‌م گذشته بود مرا کامل میانه به دنیا آوردی و در حال کودکی و خردسالی در میان گهواره محافظت نمودی و از بین غذاها شیر گوارا نصیبم کردی و دل دایه‌ها را بر من مهربان نمودی و مادران پرمهر را به پرستاری‌ام گماشتی و از آسیب‌های پریان نگهداری فرمودی و از زیادی و کمی سالمم داشتی، پس تو برتری‌ای مهربان، ای بخشنده تا آن‌گاه که آغاز به سخن کردم؛

أَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ، وَرَبَّيْتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ،  
حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي وَاعْتَدَلَتْ مِرَّتِي أَوْجَبْتَ عَلَيَّ  
حُجَّتَكَ بِأَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ، وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ  
حِكْمَتِكَ، وَأَيَّقَظْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَاوِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ  
بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَنَبَّهْتَنِي لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ، وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ  
طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ، وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ، وَيَسَّرْتَ  
لِي تَقَبُّلَ مَرَضَاتِكَ، وَمَنْنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ؛

نعمت‌های کاملت را بر من تمام کردی و مرا در هر سال با افزوده شدن به وجودم پرورش دادی تا آفرینش‌م کامل شد و تاب و توانم معتدل گشت، حجتت را بر من واجب نمودی، چنان‌که معرفتت را به من الهام فرمودی و با شگفتی‌های حکمتت به هراسم افکندی و به آنچه در آسمان و زمینت از پدیده‌های خلقتت پدید آوردی بیدارم نمودی، به سپاسگزاری و یادت آگاهی‌ام دادی و طاعت و عبادتت را بر من واجب نمودی و آنچه را پیامبران آوردند به من فهماندی و پذیرفتن خشنودیت‌ات را بر من آسان کردی و در تمام این امور به یاری و لطفت بر من منت نهادی؛

ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى، لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ  
أُخْرَى، وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَصُنُوفِ الرِّيشِ  
بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ، وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا  
أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ لَمْ يَمْنَعَكَ  
جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ،  
وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي، وَإِنْ  
سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي، وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي، وَإِنْ شَكَرْتُكَ  
زِدْتَنِي؛

سپس وقتی که مرا از بهترین خاک آفریدی برایم نپسندیدی ای معبود من نعمتی را بدون  
نعمتی دیگر و از انواع وسایل زندگی و اقسام بهره‌ها نصیب من فرمودی و این به خاطر  
نعمت‌بخشی بزرگ و بزرگ‌تر و احسان دیرینه‌ات بر من بود تا جایی که همه نعمت‌ها را بر  
من کامل نمودی و تمام بلاها را از من بازگرداندی، نادانی و گستاخ‌ام بر تو، بازت  
نداشت، از این که مرا به آنچه به تو نزدیک می‌کند راهنمایی کردی و به آنچه مرا به  
پیشگاهت مقرب می‌نماید توفیق دادی، پس اگر بخوانمت، اجابت‌م نمایی و اگر از تو

درخواست نمایم، عطايم کنی و اگر اطاعتت کنم قدردانی فرمایی و اگر به شکر بر خیزم بر نعمت بیفزایی؛

كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لِأَنْعُمِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَسُبْحَانَكَ  
سُبْحَانَكَ مِنْ مُبْدِيٍّ مُعِيدٍ حَمِيدٍ مَجِيدٍ! وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ،  
وَ عَظُمَتْ آلاؤُكَ، فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي أُحْصِي عَدَدًا وَ ذِكْرًا؟  
أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقُومُ بِهَا شُكْرًا وَ هِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ  
يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ؟ ثُمَّ مَا صَرَفَتْ  
وَ دَرَأَتْ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضُّرِّ وَ الضَّرَّاءِ أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ  
الْعَافِيَةِ وَ السَّرَّاءِ، وَ أَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيمَانِي؛

همه اینها کامل کردن نعمت‌هایت بر من و احسانت به‌سوی من است، پس منزهی تو،  
منزهی تو که آفریننده‌ای و بازگرداننده‌ای و ستوده‌ای و بزرگواری، نام‌هایت مقدس است و  
نعمت‌هایت بزرگ، خدایا کدامیک از نعمت‌هایت را به شماره آورم و یاد کنم، یا برای  
کدامیک از عطا‌هایت به سپاسگزاری برخیزم درحالی‌که پروردگارا، بیش از آن است که  
شماره‌گران برشمارند، یا اینکه یاد دارندگان در دانش به آن‌ها برسند، آنگاه ای خدا، آنچه

از بدحالی و پریشانی از من بازگرداندی و دور کردی، از آنچه از سلامتی کامل و خوشحالی  
برایم نمایان شد، بیشتر است، معبودا، من گواهی می‌دهم به حقیقت ایمانم؛

وَعَقْدِ عَزَمَاتٍ يَقِينِي، وَخَالِصِ صَرِيحٍ تَوْحِيدِي، وَبَاطِنِ  
مَكْنُونِ ضَمِيرِي، وَعَلَائِقِ مَجَارِي نُورِ بَصَرِي، وَأَسَارِيرِ  
صَفْحَةِ جَبِينِي، وَخُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي، وَخَذَارِيفِ مَارِنِ  
عَرْنِينِي، وَمَسَارِبِ سِمَاخِ سَمْعِي، وَمَا ضُمَّتْ وَأَطْبَقَتْ  
عَلَيْهِ شَفَتَايَ، وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَمَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي  
وَفَكِّي وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي؛

و باور تصمیمات یقینم و یکتاپرستی بی‌شائبه صریحم و درون پوشیده نهادم و آویزه‌های  
راه‌های نور چشمم و چین‌های صفحه پیشانی‌ام و روزنه‌های راه‌های نَفَسَم و پَرّه‌های نرمه  
تیغه بینی‌ام و حفره‌های پرده شنوایی‌ام و آنچه ضمیمه شده و بر آن بر هم نهاده دو لبم و  
حرکت‌های سخن زبانم و جای فرو رفتگی سقف دهان و آرواره‌ام و محل رویدن  
دندان‌هایم؛

وَمَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي، وَجِمَالَةِ أُمَّ رَأْسِي، وَبُلُوعِ

فَارِغْ حَبَائِلِ عُنُقِي ، وَمَا اشْتَمَلْ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي ،  
وَحَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي ، وَنِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي ، وَأَفْلَاذِ حَوَاشِي  
كَبِدِي ، وَمَا حَوْتُهُ شَرَّ اسِيفُ أَضْلَاعِي ، وَحِقَاقُ مَفَاصِلِي ،  
وَقَبْضُ عَوَامِلِي ، وَأَطْرَافُ أَنَامِلِي ، وَلَحْمِي وَدَمِي وَشَعْرِي  
وَبَشْرِي وَعَصَبِي وَقَصَبِي وَعِظَامِي وَمُخِي وَعُرُوقِي  
وَجَمِيعُ جَوَارِحِي وَمَا انْتَسَجَ عَلَيَّ ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي ، وَمَا  
أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنْ مَنِي وَنَوْمِي وَيَقْظَتِي وَسُكُونِي ، وَحَرَكَاتِ  
رُكُوعِي وَسُجُودِي ؛

و جای گوارایی خوراک و آشامیدنی‌ام و بار بر مغز سرم و رسایی رگ‌های طولانی گردنم و آنچه را قفسه سینه‌ام در برگرفته و بندهای پی شاه‌رگم و آویخته‌های پرده دلم و قطعات کناره‌های کبدم و آنچه را در برگرفته غضروف‌های دنده‌هایم و جایگاه‌های مفاصلم و پیوستگی پاهایم و اطراف انگشتانم و گوشتم و خونم و مویم و پوستم و عصبم و نایم و استخوانم و مغزم و رگ‌هایم و تمام اعضایم و آنچه در ایام شیرخوارگی بر آنها بافته شد و آنچه زمین از سنگینی من برداشته و خوابم و بیداری‌ام و سکونم و حرکات رکوع و

أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ  
 عُمِّرْتُهَا أَنْ أُوَدِّي شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعُمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ  
 إِلَّا بِمَنِّكَ الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِشُكْرِكَ أَبَدًا جَدِيدًا، وَثَنَاءً طَارِفًا  
 عَتِيدًا، أَجَلٌ وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا وَالْعَادُّونَ مِنْ أَنَامِكَ أَنْ  
 نُحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَآنِفِهِ مَا حَصَرْنَاهُ عَدَدًا، وَلَا  
 أَحْصَيْنَاهُ أَمَدًا، هَيْهَاتَ أَنِّي ذَلِكَ وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ  
 النَّاطِقِ وَالنَّبَأِ الصَّادِقِ ﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا﴾؛

خلاصه با تمام این امور گواهی می‌دهم بر اینکه اگر به حرکت می‌آمدم و طول روزگاران و  
 زمان‌های بس دراز می‌کوشیدم، بر فرض که آن همه زمان را عمر می‌کردم که شکر یکی  
 از نعمت‌های را بجا آورم نخواهم توانست، جز با منتت که به سبب آن شکر بر من  
 واجب می‌شود، شکر دائم و نو و ثنایی تازه و فراهم. آری اگر من و همه شمارش‌گران از  
 آفریدگانت، حرص ورزیم که نهایت نعمت‌هایت، از نعمت‌های سابقه‌دار و بی‌سابقه‌ات را  
 برشماریم، هرگز نمی‌توانیم به شماره آوریم و نه اندازه آن را احصا کنیم، چه دور است

چنین چیزی چگونه ممکن است؟ و حال آنکه تو در کتاب گویایت و خبر صادقانه‌ات اعلام کرده‌ای: «اگر نعمت‌های خدا را برشمارید، قدرت شمارش آن را ندارید.»

صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَ إِنْ بَاؤُكَ، وَ بَلَغْتَ أَنْبِيَائُكَ وَ رُسُلُكَ مَا  
أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَ شَرَعْتَ لَهُمْ مِنْ دِينِكَ،  
غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجُهْدِي وَ جِدِّي وَ مَبْلَغِ طَاعَتِي  
وَ وَسْعِي، وَ أَقُولُ مُؤْمِنًا مَوْقِنًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا  
فَيَكُونُ مَوْرُوثًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ  
فِي مَا ابْتَدَعَ؛

خدایا کتابت راست گفته و اخبارت صادقانه است و پیامبرانت و رسولانت به مردم رساندند، آنچه را از وحیات بر آنان نازل کردی و برای آنان و به وسیله آنان از دینت شریعت ساختی، معبودا من گواهی می‌دهم به تلاش و کوشش من و به قدر رسایی طاعت و ظرفیت من و از باب ایمان و یقین می‌گویم: سپاس خدای را که فرزندی نگرفته تا از او ارث برند و برای او در فرمانروایی‌اش شریکی نبوده تا با او در آنچه پدید آورده مخالفت کند؛

وَلَا وِلِيٌّ مِّنَ الدَّلِّ فَيُرْفِدُهُ فِيمَا صَنَعَ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ ﴿لَوْ﴾

كَانَ فِيهِمَا آلَهُ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا ﴿١٠﴾ وَتَفَطَّرَتَا ! سُبْحَانَ اللَّهِ  
الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ  
كُفُوًا أَحَدٌ ! الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ  
وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ  
النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَسَلَّم .

و سرپرستی از خواری برایش نبوده تا او را در آنچه ساخته یاری دهد، پس منزّه است او،  
منزّه است او، «اگر در آسمان و زمین معبودهایی جز خدا بود، هر آینه هر دو تباہ  
می‌شدند» و متلاشی می‌گشتند، منزّه است خدای یگانه یکتا و بی‌نیاز که نزاده و زاده  
نشده و احدی همتایش نبوده است. سپاس خدای را، سپاسی که برابری کند با سپاس  
فرشتگان مقرب و انبیای مرسلش را و درود و سلام خدا بر بهترین برگزیده از خلقش  
محمد خاتم پیامبران و اهل بیت پاک و پاکیزه و ناب گشته او باد.

آنگاه آن حضرت، شروع به درخواست از خدا کرد و در دعا اهتمام ورزید و درحالی که  
اشک از دیده‌های مبارکش جاری بود، دعا را به این صورت ادامه داد:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ ، وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ ، وَلَا

تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَخِرْلِي فِي قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ،  
حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ.

خدایا چنانم کن که از تو بترسم گویا که تو را می بینم و با پرهیزگاری مرا خوشبخت گردان  
و به نافرمانی‌ات بدبختم مکن و خیر در قضایات را برایم اختیار کن و به من در تقدیرت  
برکت ده تا تعجیل آنچه را تو به تأخیر انداختی نخواهم و تأخیر آنچه را تو پیش انداختی  
میل نکنم.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي  
عَمَلِي، وَالنُّورَ فِي بَصَرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَمَتَّعْنِي  
بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي،  
وَانصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَارِئِي، وَأَقِرَّ  
بِذَلِكَ عَيْنِي.

خدایا قرار ده، بی‌نیازی را در ذاتم و یقین را در دلم و اخلاص را در عملم و نور را در  
دیدهام و بصیرت را در دینم و مرا به اعضایم بهره‌مند کن و گوش و چشمم را دو وارث من  
گردان و مرا بر آن‌که به من ستم روا داشته پیروز فرما و در رابطه با او انتقام و هدفم را

نشانه ده و چشمم را بدین سبب روشن گردان.

اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَاعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي،  
وَاحْسَأْ شَيْطَانِي، وَفُكِّ رِهَانِي، وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ  
الْعُلْيَا فِي الآخِرَةِ وَالْأُولَى؛

خدایا گرفتاری‌ام را برطرف کن و زشتی‌ام را بپوشان و خطایم را بیامرز و شیطانم را بران و  
دینم را ادا کن و برایم معبودا در آخرت و دنیا درجه‌ای برتر قرار ده؛

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً، وَلَكَ  
الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقاً سَوِيّاً رَحْمَةً بِي وَقَدْ  
كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً، رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي، رَبِّ  
بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي، رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي  
نَفْسِي عَافِيَتَنِي، رَبِّ بِمَا كَلَأْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي، رَبِّ بِمَا  
أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ

أَعْطَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي  
وَأَقْنَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعَنْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي  
مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي، وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي؛ صَلِّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ  
وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَنَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا  
وَكَرْبَاتِ الآخِرَةِ، وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي  
الأَرْضِ.

خدایا تو را سپاس، مرا آفریدی و شنوا و بینا قرار دادی و تو را سپاس که مرا پدید آوردی و  
از روی رحمت، آفریده‌ای متناسب قرار دادی، درحالی‌که از آفرینش من بی‌نیاز بودی،  
پروردگارا به اینکه مرا پدید آوردی، پس در خلقتم تناسب نهادی، پروردگارا به اینکه  
آفرینشم را آغاز نمودی و صورتم را نیکو نمودی، پروردگارا به اینکه به من احسان کردی و  
در خویشتم عافیت نهادی، پروردگارا به اینکه محافظتم نمودی و موفقم داشتی،  
پروردگارا به اینکه بر من نعمت بخشیدی و راهنمایی‌ام نمودی، پروردگارا به اینکه سزاوار  
احسانم کردی و از هر خیری عطایم کردی، پروردگارا به اینکه مرا خوراندی و نوشاندی،  
پروردگارا به اینکه بی‌نیازم ساختی و اندوخته‌ام بخشیدی، پروردگارا به اینکه یاری‌ام

نمودی و عزّت‌بخشیدی، پروردگارا به اینکه به من پوشاندی، از پوشش با صفایت و بر من آسان نمودی، از رفتار کفایت‌کننده‌ات؛ بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا بر بلاهای روزگار و حوادث شب‌ها و روزها یاری ده و از هراس‌های دنیا و گرفتاری‌های آخرت نجات ده و مرا از شرّ آنچه ستمگران در زمین انجام می‌دهند کفایت کن.

اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي، وَمَا أَحْذَرُ فَقِنِي، وَفِي نَفْسِي وَدِينِي  
فَاخْرُسْنِي، وَفِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي، وَفِي أَهْلِي وَمَالِي  
فَاخْلُقْنِي، وَفِي مَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي، وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي،  
وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعِظِّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي،  
وَإِذَا بَدُنُو بِي فَلَا تَفْضَحْنِي، وَإِذَا بَسَرِي يَرْتِي فَلَا تُخْزِنِي، وَبِعَمَلِي فَلَا  
تَبْتَلِنِي، وَنِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي، وَإِلَى غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي؛

خدایا از آنچه می‌ترسم مرا بس باش و از آنچه حذر می‌کنم نگهداری کن و در نفسم و دینم از من نگهداری فرما و مرا در سفرم نگهدار و در خاندان و مالم جانشین باش و مرا در آنچه نصیبم فرمودی برکت ده و در نزد خویش خوارم ساز و در دیدگان مردم بزرگم کن و از شرّ جن و انس سالمم بدار و به گناهانم رسوایم مساز و به باطنم سبکم منما و به عملم دچارم مکن و مرا از نعمت‌های محروم مفرما و به غیر خود واگذارم مکن؛

إِلَهِي إِلَى مَنْ تَكَلَّنِي ، إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي ، أُمَّ إِلَى بَعِيدٍ  
فَيَتَجَهَّمُنِي ، أُمَّ إِلَى الْمُسْتَضْعِفِينَ لِي وَأَنْتَ رَبِّي وَ مَلِيكَ  
أَمْرِي ؟ أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي ، وَبَعْدَ دَارِي ، وَهَوَانِي عَلَى مَنْ  
مَلَكَتَهُ أَمْرِي ، إِلَهِي فَلَا تُحْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ  
غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أُبَالِي سِوَاكَ ، سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ  
أَوْسَعُ لِي ، فَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ  
الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ ، وَكُشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ ؛

خدایا، مرا به که واگذار می‌کنی؟ به نزدیک تا با من به دشمنی برخیزد یا به بیگانه تا با  
من با ترش‌رویی برخورد کند یا به آنان که خوادم می‌شمرند؟ و حال اینکه تو خدای من و  
زامدار کار منی. من به تو شکایت می‌کنم، از غربتم و دوری خانه آخرتم و سبکی‌ام نزد  
کسی که اختیار کارم را به او دادی. خدایا غضبت را بر من فرود نیاور، اگر در مقام خشم  
کردن بر من نباشی، از غیر تو باک ندارم، منزهی تو، جز اینکه عافیت بر من گسترده‌تر  
است، از تو درخواست می‌کنم پروردگارا به نور جمالت که زمین و آسمان‌ها به آن روشن  
گشت و تاریکی‌ها به آن برطرف شد؛

وَصَلِّحْ بِهِ أَمْرُ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ أَنْ لَا تُمِيتَنِي عَلَى غَضَبِكَ  
وَلَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ، لَكَ الْعُتْبَى، لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى  
قَبْلَ ذَلِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ  
وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحَلَلْتَهُ الْبَرَكَاتِ وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا، يَا  
مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَاءَ  
بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي، يَا  
صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَليِّي فِي نِعْمَتِي،  
يَا إلهِي وَإِلهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ  
وَرَبَّ جِبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ  
النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الْمُنتَجِبِينَ، وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ  
وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَمُنْزِلَ كَهيعص وَطه وَيُس وَالْقُرْآنِ

# الْحَكِيمُ؛

و کار گذشتگان و آیندگان به وسیله آن به اصلاح رسید که مرا بر خشمتم نمیرانی و ناخشنودی‌ات را بر من فرود نیاوری، خشنودی حق توست، خشنودی حق توست تا پیش از آن راضی شوی، معبودی جز تو نیست، پروردگار خانه محترم و مشعرالحرام و خانه کعبه که برکت را در آن نازل فرمودی و آن را برای مردم ایمن ساختی، ای آن‌که با بردباری‌اش از گناهان بزرگ گذشت، ای آن‌که با فضلش نعمت‌ها را کامل ساخت، ای آن‌که با کرمش گسترده و فراوان عطا کرد، ای توشه‌ام در سختی‌ها، ای همراهم در تنهایی، ای فریادرسم در گرفتاری‌ها، ای سرپرستم در نعمت‌ها، ای خدای من و خدای پدرانم ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پروردگار جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار محمد خاتم پیامبران و اهل بیت برگزیده‌اش و نازل‌کننده تورات و انجیل و زبور و قرآن و فرو فرستنده کهیص و طه و یس و قرآن حکیم؛

أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا، وَتَضِيقُ بِي  
الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا، وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ،  
وَأَنْتَ مُقِيلٌ عَثْرَتِي، وَلَوْلَا سَتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ  
الْمَفْضُوحِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَلَوْلَا

نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ  
بِالسُّمُوِّ وَالرِّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَعْتَرُونَ، يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ  
الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَدَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ؛

تو پناهگاه منی زمانی که راهها با همه وسعتشان درماندهام کنند و زمین با همه پهناوری اش بر من تنگ گیرد و اگر رحمت تو نبود، هر آینه من از هلاک شدگان بودم و نادیده گیرنده لغزشم تویی و اگر پرده پوشی ات بر من نبود، هر آینه من از رسواشدگان بودم و تویی که مرا با پیروزی بر دشمنانم تأیید می کنی و اگر یاری تو نبود هر آینه من از شکست خوردگان بودم، ای که وجودش را به بلندی و برتری اختصاص داده، در نتیجه اولیایش به عزت او عزیز می شوند، ای آن که پادشاهان در برابرش یوغ ذلت بر گردن هایشان گذاشته اند، در نتیجه از حملاتش ترسانند؛

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ  
الْأُزْمِنَةُ وَالذُّهُورُ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ  
لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ كَبَسَ  
الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ

، يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا ، يَا مُقَيِّضَ الرِّكَبِ  
لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ  
الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا ، يَا رَاذَهُ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ  
مِنَ الْحُزَنِ فَهُوَ كَظِيمٌ ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلَوِ عَنِ أَيُّوبَ ،  
وَمُمْسِكَ يَدَيَّ إِبْرَاهِيمَ عَنِ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَفَنَاءِ  
عُمُرِهِ ؛

خیانت چشم‌ها را و آنچه سینه‌ها پنهان می‌کنند می‌داند و به پنهانی‌هایی که زمان‌ها و روزگاران می‌آورد آگاهی دارد، ای آن‌که جز او نمی‌داند او چگونه است، ای آن‌که جز او نمی‌داند او چیست، ای آن‌که جز او، او را نمی‌شناسد، ای آن‌که زمین را بر آب انباشت و هوا را به آسمان بست، ای آن‌که او راست‌گرامی‌ترین نام‌ها ای صاحب احسانی که هرگز قطع نگردد، ای آماده‌کننده کاروان برای نجات یوسف در سرزمین بی‌آب و گیاه و خارج‌کننده‌اش از چاه و قراردهنده‌اش بر تخت پادشاهی پس از دوره بندگی، ای برگرداننده یوسف به نزد یعقوب پس از آنکه دو چشمش از اندوه نابینا شد و دلش آکنده از غم بود، ای برطرف‌کننده بدحالی و گرفتاری از ایوب، ای گیرنده دست‌های ابراهیم از بریدن سر فرزندش، پس از سنّ پیری و به پایان آمدن عمرش؛

يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَىٰ وَلَمْ يُدْعُهُ فَرْدًا  
وَحِيدًا، يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يَا مَنْ فَلَقَ  
الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ  
الْمُغْرَقِينَ، يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ، يَا  
مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَىٰ مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ  
مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ وَقَدْ غَدَوْا فِي نِعْمَتِهِ يَا كُلُّونَ رِزْقَهُ،  
وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ وَقَدْ حَادُّوهُ وَنَادُّوهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ؛

ای که دعای زکریا را اجابت کرد و یحیی را به او بخشید و او را یگانه و تنها وا نگذاشت، ای  
که یونس را از دل ماهی به در آورد، ای که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت و آنان را  
نجات داد و فرعون و لشگریانش را از غرق شدگان قرار داد، ای که بادها را مزده  
دهندگان پیشاپیش باران رحمتش فرستاد، ای که بر عذاب نافرمانان از بندگانش شتاب  
نورزد، ای آن که ساحران روزگار موسی را از ورطه هلاکت رهانید، پس از سالیان طولانی  
که در انکار حق بودند و در عین حال متنعم به نعمت او رزقش را می خوردند و برای غیر او  
بندگی می کردند، با او مخالفت داشتند و برای او شبیه قرار داده بودند و پیامبران را  
تکذیب کردند؛

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا بَدِيءُ، يَا بَدِيعُ لَا نِدَّ لَكَ، يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ، يَا  
حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، يَا مُحْيِي الْمَوْتَى، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ  
نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي،  
وَعَظُمَتْ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَرَأَى عَلَيَّ الْمَعَاصِيَ  
فَلَمْ يَشْهَرْنِي، يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي  
كِبَرِي، يَا مَنْ أَيَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصَى، وَنِعْمُهُ لَا تُجَازَى، يَا  
مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ  
وَالْعِصْيَانِ، يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ  
الْأَمْتِنَانِ، يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرَّ يَضَافُ شَفَانِي؛

ای خدا، ای خدا، ای آغازگر، ای پدیدآور، برای تو همتایی نیست، ای جاودانی که پایانی  
برایت نمی‌باشد، ای زنده وقتی که زنده‌ای نبود، ای زنده‌کننده مردگان، ای مراقب بر  
هرکس به آنچه انجام داده، ای که شکرم برای او اندک است ولی محرومم نساخت و  
خطایم بزرگ شد، پس رسوایم نکرد و مرا بر نافرمانی‌ها دید، ولی در بین مردم رسوایم

نمود، ای که در خردسالی حفظ نمود و در بزرگسالی رزقم داد، ای که عطاهايش نزد من شماره نشود و نعمت‌هايش تلافی نگردد، ای که با من به خیر و احسان روبرو شد و من با بدی و نافرمانی با او روبرو گشتم، ای که به ایمان هدایت نمود، پیش از آنکه سپاس نعمت‌هايش را بشناسم، ای که در بیماری خواندمش، پس شفایم داد؛

وَعُرِّيَانَا فَكَسَانِي، وَجَائِعًا فَأَشْبَعَنِي، وَعَطُشَانَا فَأَرَوَانِي،  
وَذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي، وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي، وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي،  
وَغَائِبًا فَرَدَّدَنِي، وَمُقِلًّا فَأَغْنَانِي، وَمُنْتَصِرًا فَنَصَرَنِي، وَغَنِيًّا  
فَلَمْ يَسْلُبْنِي، وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَأَبْتَدَأَنِي، فَلَكَ الْحَمْدُ  
وَالشُّكْرُ يَا مَنْ أَقَالَ عَشْرَتِي، وَنَفَسَ كُرْبَتِي، وَأَجَابَ دَعْوَتِي  
، وَسَتَرَ عَوْرَتِي، وَغَفَرَ ذُنُوبِي، وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَنَصَرَنِي  
عَلَىٰ عَدُوِّي، وَ إِنِ أَعُدَّ نِعْمَكَ وَمِنَّكَ وَكَرَائِمَ مَنَحِكَ  
لَا أُحْصِيهَا؛

و در حال برهنگی، پوشاند مرا و در حال گرسنگی سیرم کرد و در حال تشنگی سیرابم نمود و در حال خواری، عزتم بخشید و در حال نادانی، معرفتم بخشید و در حال تنهایی

افزونم نمود و در حال غربت، بازم گرداند و در حال نداری، دارایم کرد و در یاری خواهی، یاری ام فرمود و در ثروتمندی محرومم نکرد و از درخواست همه اینها باز ایستادم، پس او شروع به عنایت بر من نمود، حمد و سپاس تورا ست، ای که لغزشم را نادیده گرفت و اندوهم را زدود و دعایم را اجابت نمود و عیبم را پوشاند و گناهم را آمرزید و مرا به خواسته‌ام رساند و بر دشمنم پیروز گرداند، اگر نعمت‌ها و عطاها و بخشش‌های بارزشت را برشمارم هرگز نمی‌توانم به شماره آرم؛

يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ ، أَنْتَ الَّذِي  
أَحْسَنْتَ ، أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ ، أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ ، أَنْتَ الَّذِي  
أَكْمَلْتَ ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ ، أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ ، أَنْتَ الَّذِي  
أَعْطَيْتَ ، أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ ، أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ ، أَنْتَ الَّذِي  
أَوَيْتَ ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ ، أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ ، أَنْتَ الَّذِي  
عَصَمْتَ ، أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ ، أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ ، أَنْتَ الَّذِي  
أَقْلَتَ ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ ، أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ ، أَنْتَ الَّذِي  
أَعَنْتَ ، أَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَ ، أَنْتَ الَّذِي أَيْدَيْتَ ، أَنْتَ الَّذِي

# نَصْرَتَ، أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ؛

ای سرور من، تویی که عطا کردی، تویی که نعمت دادی، تویی که نیکی کردی، تویی که زیبا نمودی، تویی که افزون نمودی، تویی که کامل کردی، تویی که روزی دادی، تویی که موّفق نمودی، تویی که عطا فرمودی، تویی که بی‌نیاز نمودی، تویی که ثروت بخشیدی، تویی که پناه دادی، تویی که کفایت نمودی، تویی که راهنمایی فرمودی، تویی که حفظ کردی، تویی که پرده‌پوشی نمودی، تویی که آمرزیدی، تویی که نادیده گرفتی، تویی که قدرت دادی، تویی که عزّت بخشیدی، تویی که کمک کردی، تویی که مساعدت فرمودی، تویی که تأیید نمودی، تویی که نصرت دادی، تویی که شفا بخشیدی، تویی که سلامت کامل دادی، تویی که گرامی داشتی؛

تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصْبَابًا  
أَبَدًا، ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْهَا لِي، أَنَا الَّذِي  
أَسَأْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ، أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ،  
أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ، أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ، أَنَا

الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ، وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ، أَنَا الَّذِي  
نَكَثْتُ، أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ  
وَعِنْدِي وَأَبْوَاءُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْ هَالِي، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ  
عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ، وَالْمُوفِّقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا  
مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي؛

بزرگ و برتری، حمد و شکر همیشگی تو راست، سپس من معبودا اعتراف کننده به  
گناهانم هستم، پس مرا بیامرز، منم که بد کردم، منم که خطا کردم، منم که قصد گناه  
کردم، منم که نادانی نمودم، منم که غفلت ورزیدم، منم که اشتباه کردم، منم که به غیر  
تو اعتماد کردم، منم که در گناه تعمّد داشتم، منم که وعده کردم، منم که وعده  
شکستم، منم که پیمان شکنی نمودم، منم که اقرار کردم، منم که به نعمت بر خود و  
پیش خود اعتراف کردم و به گناهانم اقرار می کنم، پس مرا بیامرز، ای آن که گناهان  
بندگان به او زیانی نرساند و او بی نیاز از طاعت آنان است و توفیق دهنده کسی که از  
آنان به کمک و رحمتش عمل شایسته بجا آورد، تو را سپاس ای معبود من و آقای من و  
خدای من؛

إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ ، وَنَهَيْتَنِي فَأَرْتَكَبُ نَهْيَكَ ،

فَأَصْبَحْتُ لَإِذَا بَرَاءَةٌ لِي فَأَعْتَذِرُ، وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرُ، فَبِأَيِّ شَيْءٍ أَسْتَقْبِلُكَ يَا مَوْلَايَ؟ أَسْمَعِي؟ أَمْ بِبَصَرِي؟ أَمْ بِلِسَانِي؟ أَمْ بِيَدِي؟ أَمْ بِرِجْلِي؟ أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي وَبِكُلِّهَا عَصِيَّتُكَ يَا مَوْلَايَ؟ فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ، يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي، وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي، وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي، وَلَوْ أَطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي، وَلَرَفَضُونِي وَقَطَعُونِي، فَهَذَا يَا إِلَهِي، بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي؛

فرمان دادی فرمانت نخواندم، نهیم نمودی، مرتکب نهیت شدم، اکنون چنانم که نه دارنده زمینه برائتم تا عذرخواهی کنم و نه دارای قدرتم تا یاری ستانم، ای مولای من با چه وسیله‌ای با تو روبرو شوم؟ آیا با گوشم، یا با دیده‌ام، یا با زبانم، یا با دستم، یا با پایم، آیا این همه نعمت‌های تو نزد من نیست؟ و من با همه این‌ها تو را معصیت کردم، ای مولای من، تو را بر من حجت و راه است، ای آن‌که مرا از پدران و مادران پوشاند، از اینکه مرا از خود برانند و از خویشان و برادران، از اینکه مرا سرزنش کنند و از پادشاهان از

اینکه مجازاتم نمایند، مولای من اگر اینان آگاه می‌شدند، بر آنچه تو بر آن از من می‌دانی، در این صورت مهلتم نمی‌دانند و مرا تنها می‌گذارند و از من می‌بریدند، هم اینک ای خدای من در برابرت هستم، ای آقای من؛

خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ، لَا ذُو بَرَاءَةٍ فَأَعْتَدِرُ، وَلَا ذُو قُوَّةٍ  
فَأَنْتَصِرُ، وَلَا حُجَّةٍ فَأَحْتَجُّ بِهَا، وَلَا قَائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ وَلَمْ  
أَعْمَلْ سُوءًا، وَمَا عَسَى الْجُحُودُ وَلَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ  
يَنْفَعُنِي، كَيْفَ وَأَنِّي ذَلِكُ وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا  
قَدْ عَمِلْتُ، وَعَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنَّكَ سَائِلِي مِنْ  
عَظَائِمِ الْأُمُورِ، وَأَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ،  
وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرِي، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا  
إِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ  
وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنْ

# الظَّالِمِينَ؛

فروتن و خوار، درمانده و کوچک، نه دارنده زمینه برائتم تا عذرخواهی کنم و نه نیرویی که یاری بطلبم و نه دلیلی که با آن احتجاج نمایم و نه گوینده‌ای هستم که گناه و کار بد نکرده باشم، انکار گناه کجا؟ بر فرض اگر انکار می‌کردم، چه سود می‌داد، چگونه؟ و چسان این معنا ممکن شود و حال آنکه همه اعضا بر آنچه عمل کردم بر من گواه‌اند به یقین دانستم بدون تردید که تو از کارهای بزرگ من پرسنده‌ای و تو حاکم عدالت‌پیشه‌ای هستی که در حکم و داوری ستم نمی‌کنی و عدالت تو هلاک‌کننده من است و من از همه عدالت تو گریزانم، معبودا اگر مرا عذاب کنی، به خاطر گناهان من است پس از حجتی که بر من داری و اگر از من درگذری، به سبب بردباری و جود و کرم توست، معبودی جز تو نیست من از ستمکارانم؛

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُوَحِّدِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي

كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ

الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاغِبِينَ، لَا إِلَهَ

إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلِكِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي  
كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ  
الْمُكَبِّرِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي  
الْأَوَّلِينَ؛

معبودی جز تو نیست من از آمرزش خواهانم، معبودی جز تو نیست من از یکتا پرستانم،  
معبودی جز تو نیست من از هراسندگانم معبودی جز تو نیست، من از بیمناکانم،  
معبودی جز تو نیست من از امیدوارانم، معبودی جز تو نیست من از مشتاقانم، معبودی  
جز تو نیست من از «لا اله الا الله» گویانم، معبودی جز تو نیست من از  
درخواست کنندگانم، معبودی جز تو نیست من از تسبیح کنندگانم، معبودی جز تو نیست  
منزهی تو، من از تکبیر گویانم، معبودی جز تو نیست منزهی تو پروردگار من و پروردگار  
پدران نخستین من؛

اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا، وَإِخْلَاصِي لِدِكْرِكَ مُوَحِّدًا،  
وَإِقْرَارِي بِآلَائِكَ مُعَدِّدًا، وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ أُحْصِهَا

لِكثْرَتِهَا وَسُبُوغِهَا وَتَظَاهِرِهَا وَتَقَادُمِهَا إِلَى حَادِثِ مَا  
لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ  
الْعُمُرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ ، وَكَشْفِ الضُّرِّ ، وَتَسْبِيبِ  
الْيُسْرِ ، وَدَفْعِ الْعُسْرِ ، وَتَفْرِيجِ الْكَرْبِ ، وَالْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ ،  
وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ ، وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعُ  
الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ ،  
تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ لَا تُحْصَى  
الْأَوْكُ ، وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ ؛ وَلَا تُكَافَى نِعْمَاؤُكَ ، صَلِّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَتِمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَكَ ، وَأَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ ،  
سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ .

خدایا این است ثنای من بر تو و برای تعظیم تو و اخلاصم برای یاد تو و برای یکتاپرستی و  
اقرارم به نعمت‌هایت، در شمارش آنان، اگرچه اعتراف دارم نتوانستم آن‌ها را شماره کنم

به خاطر کثرت و کمالش و نمایانی و پیشی جستنش تاکنون، آنچه همواره مرا با آن همراه  
آن‌ها سرپرستی می‌کردی، از هنگامی که مرا آفریدی و پدید آوردی، از آغاز عمر و همه  
آنچه بر من بخشیدی از بی‌نیاز گرداندم از تهیدستی و برطرف کردن بدحالی و فراهم  
کردن اسباب راحتی و دفع دشواری و گشودن گره اندوه و تندرستی در بدن و سلامت در  
دین، اگر همه جهانیان از گذشتگان و آیندگان به اندازه‌ای که نعمت را ذکر کنم یاری‌ام  
دهند، نه من قدرت ذکر آن را دارم نه آن‌ها، مقدّسی و برتری، از اینکه پروردگار کریم،  
بزرگ، مهربانی، عطا‌هیت به عدد نیاید، به ثنایت نتوان رسید؛ نعمت‌هایت تلافی نگردد،  
بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و نعمت‌هایت را بر ما تمام کن و به طاعتت  
خوشبختمان فرما، منزّهی تو، معبودی جز تو نیست.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ ، وَتَكْشِفُ السُّوءَ ، وَتُغِيثُ  
الْمَكْرُوبَ ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ ، وَتُغْنِي الْفَقِيرَ ، وَتَجْبِرُ  
الْكَسِيرَ ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ ، وَتُعِينُ الْكَبِيرَ ، وَلَيْسَ  
دُونَكَ ظَهِيرٌ ، وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ، يَا  
مُطَلِقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ ، يَا عِصْمَةَ  
الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ ؛

خدایا بیچارگان را پاسخ می‌دهی و بدی را برطرف می‌کنی و به فریاد گرفتاران می‌رسی و بیماران را درمان می‌کنی و تهیدست را بی‌نیاز می‌گردانی و شکست را جبران می‌نمایی و به خردسالان رحم می‌کنی و به بزرگسالان کمک می‌دهی، جز تو پشتیبانی نیست و فوق تو قدرتمندی وجود ندارد و تو برتر و بزرگی، ای رهاکننده اسیر در بند، ای روزی‌دهنده کودک خردسال، ای پناه هراسنده پناه‌خواه، ای که برایت شریک و وزیر نیست؛

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ  
مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْلَتْ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُؤَلِّيهَا، وَآلَاءٍ  
تُجَدِّدُهَا، وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا، وَكُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا، وَدَعْوَةٍ  
تَسْمَعُهَا، وَحَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُهَا، وَسَيِّئَةٍ تَتَغَمَّدُهَا، إِنَّكَ لَطِيفٌ  
بِمَا تَشَاءُ خَيْرٌ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در این شب به من عطا کن برترین چیزی که عطا کردی و نائل نمودی یکی از بندگانت را، از نعمتی که می‌بخشی و عطاهایی که تجدید می‌نمایی و بلایی که برمی‌گردانی و رنجی که برطرف می‌کنی و دعایی که می‌شنوی و عمل نیکی که می‌پذیری و بدی که می‌پوشانی، همانا به هرچه خواهی مهربان و آگاهی و بر هر چیز توانایی.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ، وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ، وَأَكْرَمُ مَنْ  
عَفَا، وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى، وَأَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ، وَلَا سِوَاكَ  
مَأْمُولٌ، دَعَوْتُكَ فَأَجَبْتَنِي، وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي، وَرَغِبْتُ  
إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي، وَوَثِقْتُ بِكَ فَنَجَّيْتَنِي، وَفَزَعْتُ إِلَيْكَ  
فَكَفَيْتَنِي؛

خدایا تو نزدیکترین کسی هستی که خوانده شود و سریعترین کسی که جواب دهد و  
بزرگوارترین کسی که گذشت کند و وسیعترین کسی که عطا کند و شنواترین کسی که  
سؤال شود، ای مهربان دنیا و آخرت و بخشنده دنیا و آخرت، همانند تو سؤال شدهای  
نیست و غیر تو آرزو شدهای وجود ندارد، خواندمت، پاسخم دادی، از تو درخواست کردم  
عطایم نمودی و بهسویت میل کردم، به من رحم فرمودی، به تو اطمینان کردم، نجاتم  
دادی و به تو پناهنده شدم، کفایتم نمودی؛

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَعَلَى آلِهِ  
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاءَكَ، وَهَبْ لَنَا

عَطَاءِكَ، وَ اَكْتُبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ، وَلَا لِاِيْكَ ذَاكِرِينَ، آمِينَ  
آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

خدایا درود فرست بر محمد بنده و فرستاده‌ات و پیامبرت و بر همگی اهل بیت پاک و پاکیزه‌اش و نعمت‌هایت را بر ما تمام کن و عطا‌هایت را بر ما گوارا گردان و ما را نسبت به خود از سپاسگزاران و در نعمت‌هایت از یادکنندگان ثبت فرما، آمین آمین ای پروردگار جهانیان.

اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرَ، وَقَدَرَ فَقْهَرَ، وَعُصِيَ فَسْتَرَ،  
وَاسْتُغْفِرَ فَعَفَرَ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاْغِبِينَ وَمُنْتَهَى اَمَلِ  
الرَّاجِحِينَ، يَا مَنْ اَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَوَسِعَ الْمُسْتَقْبَلِينَ  
رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا؛

خدایا ای که مالک شد و توانست و توانست و چیره شد، نافرمانی شد و پوشاند، از او آمرزش خواسته شد و آمرزید، ای هدف خواستاران مشتاق و نهایت آرزوی امیدواران، ای آن‌که در دانش بر هر چیز احاطه دارد و در مهربانی و رحمت و بردباری، جویندگان گذشت از گناه را فرا می‌گیرد؛

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا  
بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَمِينِكَ عَلَى  
وَحْيِكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السِّرَاحِ الْمُنِيرِ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ  
عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ.

خدایا در این شب به تو رو می‌آوریم، شبی که آن را شرافت و عظمت دادی به محمد  
پیامبرت و فرستاده‌ات و برگزیده از خلقت و امین وحیات، آن مژده‌دهنده و ترساننده و  
چراغ نوربخش، آن‌که به سبب او بر مسلمانان نعمت بخشیدی و او را رحمت برای  
جهانیان قرار دادی.

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِذَلِكَ  
مِنْكَ يَا عَظِيمُ فَصِّلْ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الْمُنتَجِبِينَ الطَّيِّبِينَ  
الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَإِلَيْكَ عَجَّتِ  
الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ، فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ  
نَصِيباً مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، وَنُورٍ تَهْدِي بِهِ،

وَرَحْمَةً تَنْشُرُهَا، وَبَرَكَهٍ تُنَزِّلُهَا، وَعَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا، وَرِزْقٍ  
تَبْسُطُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، آن‌چنان که محمد از جانب تو شایسته آن  
است، ای بزرگ، بر او و بر همه خاندان نجیب و پاک و پاکیزه‌اش درود فرست و ما را به  
گذشتت از ما بپوشان که صداها با انواع لغات به جانب تو بلند است، خدایا در این شب  
برای ما قرار ده، از هر خیری نصیبی که میان بندگانت تقسیم می‌کنی و نوری که با آن  
هدایت می‌نمایی و رحمتی که می‌گسترانی و برکتی که فرو می‌فرستی و عافیتی که بر  
اندام حیات بندگان می‌پوشانی و رزقی که می‌گستری، ای مهربان‌ترین مهربانان؛

اللَّهُمَّ أَقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ  
غَانِمِينَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ، وَلَا تُخَلِّنا مِنْ رَحْمَتِكَ،  
وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ  
مَحْرُومِينَ، وَلَا لِفَضْلِ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَايِكَ قَانِطِينَ، وَلَا  
تَرُدَّنَا خَائِبِينَ، وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ، يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ،  
وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ، وَ لِبَيْتِكَ الْحَرَامِ

آمِينَ قاصِدِينَ ، فَأَعِنَّا عَلَىٰ مَنَاسِكِنَا ، وَأَكْمِلْ لَنَا حَجَّنا ،  
وَاعْفُ عَنَّا وَعَافِنَا ، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِينَا فَهِيَ بِذِلَّةٍ  
الاعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ؛

خدایا ما را در این وقت از پیشگاه رحمت پیروز و رستگار و پذیرفته و بهره‌مند بازگردان و  
ما را از ناامیدان قرار مده و از رحمت با دست خالی مگذار و از آنچه از فضل امیدواریم  
مبتلای به حرمان مکن و از رحمت محرومان منما و از افزونی آنچه از عطایت آرزو داریم  
ناامید مساز و ناکام باز مگردان و از درگاهت مران، ای بخشنده‌ترین بخشنندگان و  
کریم‌ترین کریمان، یقین‌کنان به درگاهت رو نمودیم و آهنگ‌کنان و قصدکنان به زیارت  
خانه‌ات آمده‌ایم، بر ادای مناسک حج یاری‌مان ده و حَجَّمان را کامل نما و از ما درگذر و  
به ما سلامت کامل بده، چراکه دست‌های خود را به جانب تو دراز کرده‌ایم و آن دست‌ها  
به خواری اعتراف علامت‌دار است؛

اللَّهُمَّ فَأَعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ ، وَاكْفِنَا مَا  
اسْتَكْفَيْنَاكَ ، فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ ، وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ ، نَافِدُ  
فِينَا حُكْمُكَ ، مُحِيطُ بِنَا عِلْمُكَ ، عَدْلُ فِينَا قِضَاؤُكَ ، اقْضِ لَنَا

# الْخَيْرَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ .

خدایا آنچه را در این شب از تو خواستیم به ما عطا کن و کفایت آنچه را از تو خواستیم عهده‌دار باش که ما را کفایت‌کننده‌ای جز تو نیست و برای ما پروردگاری جز تو نمی‌باشد، قانونت بر ما نافذ است، دانشت ما را فراگیر است، قضایت درباره ما عادلانه است، خیر را برای ما حکم کن و ما را اهل خیر قرار بده.

اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمِ الْأَجْرِ، وَكَرِيمِ الدُّخْرِ، وَدَوَامِ  
الْيُسْرِ، وَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ، وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ  
الْمَالِكِينَ، وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ  
الرَّاحِمِينَ؛

خدایا پاداش بزرگ و ذخیره کریمانه و دوام آسایش را به حق جودت بر ما لازم گردان و گناهان همه ما را بیامرز و با هلاک‌شدگان هلاکمان مکن و مهربانی و رحمتت را از ما باز مگردان، ای مهربان‌ترین مهربانان؛

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ، وَشَكَرَكَ  
فَزِدْتَهُ، وَثَابَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ، وَتَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا

فَغْفِرْ تَهَالَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

خدایا در این وقت ما را از کسانی قرار ده که از تو درخواست کردند و تو به آنان عطا فرمودی و تو را شکر نمودند پس بر آنان افزودی و بهسویت بازگشتند و آنان را پذیرفتی و بهسوی تو از همه گناهانشان بیزاری جستند پس همه گناهانشان را آمرزیدی، ای دارای بزرگی و بزرگواری.

اللَّهُمَّ وَنَقِّنَا وَسَدِّدْنَا وَاقْبَلْ تَضَرُّعَنَا، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُفُونِ، وَلَا لَحْظُ الْعُيُونِ، وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكْنُونِ، وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ، أَلَّا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ، وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ؛

خدایا ما را پاک کن و به جانب راستی و درستی توجه ده و زاری ما را بپذیر، ای بهترین

کسی که درخواست شد و رحم‌کننده‌ترین کسی که از او رحمت خواسته شد، ای آن که بر هم نهادن پلک‌ها و دقت نظر چشم‌ها بر او پوشیده نیست و آنچه در نهان مستقر شده و آنچه را پنهانی‌های قلوب در بر گرفته از او مخفی نیست، آری همه این‌ها را دانشت شماره کرده و بردباری‌ات فرا گرفته، تو منزهی و برتری، از آنچه ستمگران درباره‌ات می‌گویند، پس برتری آسمان‌های هفتگانه و زمین‌ها و هرکه در آن‌هاست تو را تسبیح می‌گویند و هیچ موجودی نیست مگر اینکه با سپاست تسبیح می‌گوید؛

فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ،  
وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ ، وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ  
الْكَرِيمُ ، الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ . اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ  
الْحَلَالِ ، وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي ، وَآمِنْ خَوْفِي ، وَأَعْتِقْ  
رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ . اللَّهُمَّ لَا تَمَكُرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا  
تَخْدَعْنِي ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ .

پس تو را سپاس و بزرگواری و بلندی مقام، ای دارنده بزرگی و کرامت و فضل و نعمت و عطا‌های بزرگ و تویی بخشنده کریم رؤوف و مهربان، خدایا از روزی حلالیت بر من وسعت ده و در تن و دینم سلامت کامل بخش و ترسم را امان ده و وجودم را از آتش آزاد کن،

خدایا بلایت را به جریمه گناهانم بر من قرار مده و مرا به تدریج بر بدی‌هایم مؤاخذه مکن  
و مرا در خیالات باطلم رها مساز و شر بدکاران جن و انس را از من دور کن.

در این قسمت از دعا سر و دیده خود را به جانب آسمان برداشت و از دیده‌های  
مبارکش مانند ریزش آب از دو مشک، اشک می‌ریخت و با صدای بلند به محضر  
حق عرضه داشت:

يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ  
، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ  
الْمِيَامِينَ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنِّي أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ  
يُضِرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنِّي مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي،  
أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ  
لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ، وَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِيرٌ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ...

ای شنواترین شنوایان، ای بیناترین بینایان و ای سریعترین حساب‌رسان و ای مهربان‌ترین

مهربانان، بر محمد و خاندان محمد آن سروران با میمنت درود فرست و از تو درخواست می‌کنم خدایا حاجتم را که اگر آن را به من عطا کنی، بی‌شک هرچه را از من دریغ ورزی به من ضرری نرساند و اگر قضای حاجتم را از من دریغ نمایی، آنچه را عطایم کنی سودی نبخشد، آزادی عهده‌ام را از آتش از تو درخواست می‌کنم، معبودی جز تو نیست، یگانه‌ای، برایت شریک نیست، فرمانروایی و سپاس خاص توست و تو بر هر چیز توانایی، پروردگارا پروردگارا.

پیوسته «**يَا رَبِّ**» می‌گفت و همه آنان که اطراف حضرت بودند به دعای حضرت گوش فرا دادند و به آمین گفتن اکتفا نمودند، در نتیجه صداهایشان با آن حضرت به گریستن بلند شد تا آفتاب غروب کرد، سپس زادوتوشه خود را بار کرده، به سوی مشعرالحرام حرکت کردند.

مؤلف گوید: کفعمی دعای عرفه حضرت سید الشهداء را در کتاب «بلد الامین» تا این قسمت ذکر کرده و علامه مجلسی در «زاد العِماد» این دعای شریف را موافق روایت کفعمی نقل فرموده ولی سید ابن طاووس در کتاب اقبال، پس از «**يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ**» این اضافه را آورده:

**إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي ؟ !**  
**إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي ؟ !**

إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ وَسُرْعَةَ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ مَنَعَا  
عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ، وَالْيَأْسِ مِنْكَ فِي  
بَلَاءٍ. إِلَهِي مَنِي مَا يَلِيْقُ بِلُؤْمِي وَمِنْكَ مَا يَلِيْقُ بِكَرَمِكَ؛

خدایا، در عین توانگری تهیدستم، پس چگونه در تهیدستی تهیدست نباشم، خدایا در  
عین دانایی نادانم، پس چگونه در عین نادانی نادان نباشم. خدایا همانا اختلاف تدبیرت  
و سرعت تغییر تقدیرات، بندگان عارف به تو را، از اطمینان به بخشش و ناامیدی از تو  
در گرفتاری باز داشته است. خدایا از من است آنچه سزاوار پستی من است و از توست  
آنچه شایسته بزرگواری توست؛

إِلَهِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي  
أَفْتَمْنَعُنِي مِنْهُمَا بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفِي ؟ إِلَهِي إِنْ ظَهَرَتْ  
الْمَحَاسِنُ مِنْنِي فَبِفَضْلِكَ وَلكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ ، وَ إِنْ ظَهَرَتْ  
الْمَسَاوِي مِنْنِي فَبِعَدْلِكَ وَلكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ .

خدایا تو خود را با لطف و مهربانی به من توصیف کرده‌ای پیش از پیدایش ناتوانی من، آیا  
آن دو را از من دریغ ورزی پس از پدید آمدن ناتوانی‌ام، خدایا اگر زیبایی‌هایی از من

نمایان شود، به فضل توست و تو را بر من منت بسیار است و اگر زشتی‌هایی از من ظاهر گردد، به عدل توست و تو را بر من حجت کامل است.

إِلَهِي كَيْفَ تَكِلْنِي وَقَدْ تَكَفَّلْتَ لِي؟ وَ كَيْفَ أُضَامُ وَأَنْتَ  
النَّاصِرُ لِي؟ أَمْ كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ الْحَفِيُّ بِي؟ هَا أَنَا أَتَوَسَّلُ  
إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ، وَ كَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌ أَنْ  
يَصِلَ إِلَيْكَ؟ أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَهُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ  
؟ أَمْ كَيْفَ أُتْرَجِمُ بِمَقَالِي وَهُوَ مِنْكَ بَرَزٌ إِلَيْكَ؛ أَمْ كَيْفَ  
تُخَيِّبُ آمَالِي وَهِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ؟ أَمْ كَيْفَ لَا تُحْسِنُ  
أَحْوَالِي وَبِكَ قَامَتْ؟

خدایا چگونه مرا وامی‌نهی در صورتی که عهده‌دار من شده‌ای؟ و چگونه مورد ستم واقع شوم و حال آنکه تو یار منی؟ یا چگونه ناامید گردم، درحالی‌که نسبت به من سخت مهربانی، اینک به نیازم به تو، متوسل به توأم و چگونه متوسل به تو شوم به آنچه محال است به تو برسد، یا چگونه از حالم به تو شکایت کنم و حال آنکه بر تو پوشیده نیست؟ یا چگونه با گفتارم ترجمه حال نمایم، درحالی‌که از تو برای تو واضح است؟ یا چگونه

آرزوهایم را به عرصه نومیدی بری، در صورتی که به آستان تو وارد گشته؟ یا چگونه احوالم را نیکو نگردانی، درحالی که احوال من استوار به توست؟

إِلَهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي! وَمَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَبِيحِ فِعْلِي!  
إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَأَبْعَدَنِي عَنكَ! وَمَا أَرَأْفَكَ بِي! فَمَا  
الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنكَ؟ إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْآثَارِ  
وَتَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ، أَنْ مَرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ  
حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ. إِلَهِي كُلَّمَا أَخْرَسَنِي لَوْمِي أَنْطَقَنِي  
كَرَمُكَ، وَكُلَّمَا آيَسْتَنِي أَوْ صَافِي أَطْمَعْتَنِي مِنَّنِكَ؛

خدایا چه اندازه به من لطف داری. با این نادانی فوق العاده من و چه قدر به من مهربانی، با این عمل زشت من؟ خدایا چقدر به من نزدیکی و من چقدر از تو دورم و چه اندازه به من مهر می‌ورزی پس چیست آنچه مرا از تو در پرده می‌کند؟ خدایا از اختلاف آثار و تغییرات احوال دانستم که خواسته‌ات از من این است که خود را در هر چیز به من بشناسانی تا در هیچ چیز نسبت به تو جاهل نباشم، خدایا هر زمان فرومایگی‌ام از سخن مرا بازداشت، کرم تو گویایم نمود و هروقت اوصافم ناامیدم کرد، نعمت‌هایت به طمعم انداخت؛

إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِيٍّ فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مَسَاوِيَهُ  
مَسَاوِيٍّ؟! وَمَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِيٍّ فَكَيْفَ لَا تَكُونُ  
دَعَاوِيَهُ دَعَاوِيٍّ؟! إلهي حُكْمَكَ النَّافِذُ وَمَشِيئَتَكَ الْقَاهِرَةُ  
لَمْ يَتْرُكْ كَالِدِي مَقَالٍ مَقَالًا، وَلَا لِذِي حَالٍ حَالًا. إلهي كَمْ مِنْ  
طَاعَةٍ بَنَيْتُهَا، وَحَالَةٍ شَيَّدْتُهَا هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ، بَلْ  
أَقَالَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ. إلهي إِنَّكَ تَعْلَمُ أُنِي وَ إِنْ لَمْ تَدُمْ الطَّاعَةَ  
مِنِّي فِعْلًا جَزْمًا فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةً وَعَزْمًا. إلهي كَيْفَ أَعْزِمُ  
وَأَنْتَ الْقَاهِرُ؟ وَ كَيْفَ لَا أَعْزِمُ وَأَنْتَ الْآمِرُ؛

خدایا کسی که زیبایی‌هایش زشتی بوده، پس چگونه زشتی‌هایش زشتی نباشد و کسی  
که حقیقت‌گویی‌هایش ادعای خالی بوده، چگونه ادعاهایش ادعا نباشد؟ خدایا دستور  
نافذت و مشیت چیرهات، برای صاحب سخن سخنی و برای صاحب حال حالی نگذاشته،  
خدایا چه بسیار طاعتی که بنا کردم و چه بسیار حالتی که استوار نمودم. عدالتت  
اعتماد را بر آنها ویران کرد، ولی فضل تو عذر مرا از آنها پذیراست. خدایا همانا  
می‌دانی هرچند طاعت از جانب من، به صورت کار جدی ادامه نداشته، ولی به صورت

محبت و اراده ادامه داشته. خدایا چگونه تصمیم بگیرم و حال آنکه تو چیره‌ای و چگونه تصمیم نگیرم در حالی که تو دستوردهنده‌ای؛

إِلٰهِي تَرَدُّدِي فِي الْآثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ  
بِخِدْمَةٍ تُوَصِّلُنِي إِلَيْكَ ، كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي  
وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ ؟ أَيْ كُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ  
حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ ؟ مَتَى غِبتَ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى  
دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ ؟ وَ مَتَى بَعُدْتَ حَتَّى تَكُونَ الْآثَارُ هِيَ الَّتِي  
تُوصِلُ إِلَيْكَ ؟ عَمِيَّتْ عَيْنٌ لَا تَرَكَ عَلَيْهَا رَقِيبًا ، وَ خَسِرَتْ  
صَفْقَةً عَبَدِلْمَ تَجْعَلُ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيبًا ؛

خدایا، مردّد شدن من در آثار موجب دوری دیدار است، پس مرا با وجودت گرد آور، به وسیله عبادتی که مرا به تو رساند، چگونه بر وجود تو استدلال شود، به موجودی که در وجودش نیازمند به توست؟ آیا برای غیر تو ظهوری هست که برای تو نیست تا آن غیر وسیله ظهور تو باشد؟! کی پنهان بوده‌ای تا نیازمند به دلیلی باشی که بر تو دلالت کند و کی دور بوده‌ای تا آثار واصل کننده به تو باشند؟ کور باد دیده‌ای که تو را بر آن دیده‌بان

نبیند و زیانکار باد تجارت بندهای که از محبت برای او سهمی قرار نداده‌ای؛

إِلَهِي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْآثَارِ فَأَرْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ  
الْأَنْوَارِ وَهِدَايَةِ الْأَسْتَبْصَارِ حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا  
دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا مَصُونًا السِّرِّ عَنِ النَّظْرِ إِلَيْهَا، وَمَرْفُوعَ  
الْهِمَّةِ عَنِ الْأَعْتِمَادِ عَلَيْهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

خدایا مرا به رجوع به آثار فرمان دادی، پس مرا به پوششی از انوار و هدایتی بصیرت‌جو  
به سوی خود بازگردان تا از آن‌ها به سوی بازگردم همان‌طور که از آن‌ها به بارگاہت بار  
یافتم، با نگاهداری نهادم از نگاه به آن‌ها و برگرفتن همتم از اعتماد بر آن‌ها، همانا تو بر  
هر چیز توانایی.

إِلَهِي هَذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَهَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ،  
مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ، وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ، فَاهْدِنِي  
بِنُورِكَ إِلَيْكَ، وَأَقِمْنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ . إِلَهِي  
عَلِّمْنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ، وَصُنِّي بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ؛

خدایا این خواری من است که در برابرت عیان است و این حال من است که بر تو پوشیده نیست، از تو رسیدن به تو را می‌خواهم و بر تو استدلال می‌کنم، پس به نورت مرا به وجودت راهنمایی کن و در برابرت به صدق بندگی بر پا دار. خدایا از علم مخزونت به من بیاموز و به پرده نگاهداری‌ات حفظم کن؛

إِلَهِي حَقِّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ، وَاسْأَلْكَ بِمَسْأَلَةِ أَهْلِ  
الْجَدْبِ. إِلَهِي أَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي، وَبِاخْتِيَارِكَ  
عَنْ اخْتِيَارِي، وَأَوْقِفْنِي عَلَى مَرَاكِزِ اضْطِرَارِي.

خدایا مرا به حقایق اهل قرب محقق کن و به راه و روش اهل جذب ببر، خدایا به تدبیرت نسبت به من مرا از تدبیرم و به اختیارت از اختیارم بی‌نیاز گردان و مرا به مواضع بیچارگی‌ام آگاه کن،

إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي، وَطَهِّرْنِي مِنْ شَكِّي وَشِرْكِي  
قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي، بِكَ أَنْتَصِرُ فَاَنْصُرْنِي، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ  
فَلَا تَكِلْنِي، وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ  
فَلَا تَحْرِمْنِي، وَبِجَنَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي، وَبِبَابِكَ أَقِفُ

# فَلَا تَطْرُدْنِي؛

خدایا مرا از خواری نفسم نجات ده و از شک شرکم پاک کن و پیش از آنکه وارد قبر شوم، از تو یاری می‌جویم، پس مرا یاری ده و بر تو توکل می‌کنم، پس مرا وامگذار و از تو درخواست می‌کنم، پس ناامیدم مکن و در فضل تو رغبت می‌نمایم، پس محرومم مگردان و خود را به تو منسوب می‌کنم، پس دورم مکن و در آستانه تو می‌ایستم پس مرانم؛

إِلٰهِي تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ عِلَّةٌ مِنْكَ فَكَيْفَ تَكُونُ لَكَ  
عِلَّةٌ مِنِّي؟ إِلٰهِي أَنْتَ الْغَنِيُّ بِذَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ  
فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي؟ إِلٰهِي إِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ  
يُمَنِّي، وَإِنَّ الْهُوَى بِوَثَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسْرَنِي، فَكُنْ أَنْتَ  
النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَتُبْصِرَنِي، وَأَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى  
أَسْتَعْنِيَ بِكَ عَنْ طَلْبِي، أَنْتَ الَّذِي أَشْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ  
أَوْلِيَايِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَّدُوكَ، وَأَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ

الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ وَلَمْ  
يَلْجَأُوا إِلَى غَيْرِكَ ، أَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشْتَهُمْ  
الْعَوَالِمُ ، وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَ لَهُمُ الْمَعَالِمُ ،  
مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ ؟

خدایا خشنودی تو منزّه است از اینکه علّتی از جانب تو داشته باشد، پس چگونه ممکن است برای آن علّتی از ناحیه من بوده باشد؟ خدایا تو بی‌نیازی از اینکه نفعی از جانب خویش به حضرتت رسد، پس چگونه بی‌نیاز از من نباشی؟ خدایا قضا و قدر مرا به آرزو انداخت و هوای نفس مرا در بندهای شهوت اسیر کرد، پس تو یاور من باش تا پیروزم نمایی و بینایم کنی و به فضل خود بی‌نیازم فرما تا به وسیله تو از خواسته‌ام بی‌نیاز گردم، تویی که انوار را در قلوب دوستانت تاباندی تا تو را شناختند و یگانه‌ات دانستند و تویی که بیگانگان را از قلوب عاشقانت راندی تا غیر تو را دوست نداشتند و به غیر تو پناه نبردند، تو مؤنس آنانی آنجا که عوالم آنان را به وحشت اندازد، تویی که آنان را هدایت نمودی، هرجا که نشانه‌هایی برای آنان آشکار شد، کسی که تو را گم کرده چه یافته؟ و چه گم کرده، کسی که تو را یافته؟

لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا ، وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَىٰ عَنْكَ

مُتَحَوِّلاً ، كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ ؟  
وَ كَيْفَ يُطَلَّبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا بَدَّلْتَ عَادَةَ الْاِمْتِنَانِ ؟ يَا  
مَنْ أذَاقَ أَحِبَّاءَهُ حَلَاوَةَ الْمُوَانَسَةِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ ،  
وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ  
مُسْتَغْفِرِينَ ، أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ ، وَأَنْتَ الْبَادِيُّ  
بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ  
طَلَبِ الطَّالِبِينَ ، وَأَنْتَ الْوَهَّابُ شَمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ  
الْمُسْتَقْرِضِينَ ؛

همانا محروم شد کسی که به جای تو به دیگری راضی گشت و زیانکار شد کسی که از تو  
به دیگری روی آورد، چگونه به غیر تو امید بست و حال آن که احسانت را بریده نساختی و  
چگونه از غیر تو خواسته شود در صورتی که تو شیوه نعمت بخشیت را تغییر نداده‌ای،  
ای که به عاشقانش شیرینی همدمی خود را چشانند، در نتیجه تملق گویانه در برابرش  
ایستادند، ای که اولیایش را جامه‌های هیبت پوشاند، پس آمرزش جویانه در مقابلش قرار  
گرفتند، تویی یاد کننده پیش از یادکنندگان و تویی شروع کننده به احسان، پیش از توجه

بندگان و تویی جودکننده به عطا، پیش از خواستن خواهندگان و تویی بخشنده و سپس آنچه را که به ما بخشیدی از ما به قرض خواهی؛

إِلَهِي اَطْلُبْنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ، وَاجْذِبْنِي بِمَنْنِكَ حَتَّى أَقْبَلَ عَلَيْكَ . إِلَهِي إِنَّ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَ إِنَّ عَصِيَّتَكَ ، كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَ إِنَّ أَطْعَمَكَ ، فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمُ إِلَيْكَ، وَقَدْ أَوْقَعَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ .

خدایا مرا به رحمتت بخواه تا به تو رسم و مرا به عطایت جذب کن تا به جانب تو رو کنم. خدایا امیدم از تو قطع نشود، گرچه نافرمانیات کردم، چنانکه ترسم از تو زایل نشود، گرچه اطاعتت نمودم، همانا جهانیان مرا به جانب تو رانده‌اند و دانشم به کرمت مرا به آستانه تو انداخته.

إِلَهِي كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ أَمَلِي؟ أَمْ كَيْفَ أُهَانُ وَعَلَيْكَ مُتَّكِلِي؟  
إِلَهِي كَيْفَ أَسْتَعِزُّ وَفِي الدَّلَّةِ أَرُّ كَرْتَنِي؟ أَمْ كَيْفَ لَا أَسْتَعِزُّ وَ  
إِلَيْكَ نَسَبْتَنِي؛

خدایا من چگونه ناامید شوم و حال آنکه تو آرزوی منی، یا چگونه خوار گردم در صورتی که

اعتماد بر توست. خدایا چگونه عزّت خواهم، درحالی که در خواری ثابتم کرده‌ای و چگونه عزّت نخواهم با آن که به خود نسبتم داده‌ای؟

إِلٰهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ أَقَمْتَنِي؟ أَمْ كَيْفَ  
أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَغْنَيْتَنِي؟ وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلٰهَ  
غَيْرُكَ تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جَهَلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الَّذِي  
تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَرَأَيْتُكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنْتَ  
الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ فَصَارَ الْعَرْشُ  
غَيْبًا فِي ذَاتِهِ، مَحَقَّتْ الْآثَارَ بِالْآثَارِ، وَمَحَوَّتْ الْأَغْيَارَ  
بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ، يَا مَنْ احْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ  
عَرْشِهِ عَنِ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ، يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَايِهِ  
فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ مِنَ الْإِسْتِوَاءِ، كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ  
؟ أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ؟ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

# قَدِيرٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ.

خدایا چگونه نیازمند نباشم و حال آن که مرا در نیازمندان نشاندی، یا چگونه نیازمند باشم در صورتی که تو به جودت بی‌نیازم کرده‌ای و تویی که معبودی جز تو نیست، خود را به هر چیز شناساندی، پس چیزی جاهل به تو نیست و تویی که خود را در هر چیز به من شناساندی، پس تو را در هر چیز نمایان دیدم و تویی نمایان برای هر چیز، ای که به رحمانیتش چیره شد، در نتیجه عرش در ذاتش پنهان شد، آثار را با آثار نابود کردی و اغیار را به احاطه‌کنندگان افلاک انوار محو نمودی، ای که در سراپرده‌های عرشش پرده‌نشین از این شد که دیده‌ها او را دریابد، ای آن که به کمال زیبایی‌اش تجلّی کرد، پس تحقق یافت عظمتش از روی استیلا و برتری، چگونه پنهان شوی و حال آن که نمایانی، یا چگونه غایب شوی و حال آن که دیده‌بانی و حاضری، همانا تو بر هر چیز توانایی و سپاس تنها از آن خداست، خدای یگانه.